



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۱۲/۱۷

رفعت حسینی

هایهوی خیابان

شب آمد
شب آمد و گیسو
شب گیسوان تو آمد.

و سرگرم اندیشه بودم، آتشفشان در سرشتم
صدایی زادوار پیشین، موج می زد
و دنیایم ازراز و از بال و پرواز پر بود.

تهی بودم از هایهوی خیابان
ستاره حکایت زهشیار و خسبیده می کرد
و مهتاب با قصه هایش
مرا تا به آینده می بُرد و در خواب می شست
و می خواستم تا به پایان دنیا
درخت سپیدار باشم.

همه تار و پودم در آنشب
نشستن میان شقایق و آینه ها بود.

زاعجاز الفاط و آواز سرشار بودم
و می شد غم را زچشمم بیارم
و تا خط آخر بیایم.

۲۰۲۰

برلین، جرمنی

د پانو شمیره: له 1 تر 1